

از لابلای یادداشت ها و نیشتهای روزمره ام

شگفت زندگی آسیای مرکزی و توقف ماشین جنگی ایالات متحده چگونگی کاهش هزینههای نظامی و جنگی تهیه و تدوین لایحه ای در مجلس سنا

هزینههای سرسام آور نظامی و فشار بر اقتصاد ایالات متحده
۱۸ سال جنگ بمنظور اعاده دموکراسی در کشور؟
تغییر و تبدیل شیوهای جنگی و محاربه
آیا ثبات و امنیت دست یافتنی می باشد؟

نام و اسم و رسم شکل عملیات، تعداد نیروها و روسای دولت در کابل و واشنگتن در حال تغییر می باشند. دولت جمهوری اسلامی افغانستان، عملن تحریم های خارجی را متحمل نمی گردد، عملیات نظامی و جنگی در ولایت های کشور و اقدامات تروریستی در شهر کابل و مربوطات آن متوقف نگردیده، بلکه بگونه تکراری ادامه یافته و دهها تن از نظامیان کشور از زندگی ساقط می گردند.

در مقدمه بحث کنونی یاددهانی این واقعیت میرم لازمی بنظر می رسد که بی معنا بودن تداوم مداخله نظامی ایالات متحده و هم پیمانانش در کشور ما، روز تا روز واضح و مبرهن می گردد. همه می دانند که با توقف عملیات نظامی و جنگی در کشور ما، ایالات متحده به مبلغ ۵۰ میلیارد دالر در سال صرفه جویی خواهد داشت. قبل بر این، نمایندگانی مذاکره کننده امریکا بی با "طالب" ها در مورد اصول کلی خروج قوت های امریکایی بمفهوم وسیع کلمه، به تفاهماتی نایل گردیده اند ولی بحث در باره چگونگی و مدت زمان این خروج همچنان وبدون نتیجه ادامه دارد.

اما واشنگتن از زیر بار مسؤلیت شانه خالی نموده و ادعا می نماید که در طول مدت زمان درگیری های حربی در سرزمین متعلق به افغانستان، قادر به نا بودی بیشترین پتانسیل های مخرب تروریست ها از جمله "طالب" ها، "دولت اسلامی" و گرو های دیگر گردیده است. همچنان توسط دست اندرکاران پنتاگون به دیگران چنین القا می گردد که اگر قوت های نظامی و حربی ایالات متحده اراضی افغانستان را ترک نمایند، جای خالی آنها و کمبود و نبود آنها بسرعت بوسیله متحدان و شرکا و سپس توسط شرکت های خصوصی امنیتی رفع خواهد گردید.

با اینهمه در کشور ما، اصل تقسیم جدید قدرت و تعیین و تثبیت ساحه نفوذ با آموزهای "مجاهدین"، "طالب" ها، "دولت اسلامی" و سایر نیروهای چند ملیتی آغاز خواهد گردید.

اما باید پرسید که اصل واقعیت گماشتن کنونی نیروها به چه مفهومی تلقی می گردد؟

در پاسخ به پرسش فوق باید متذکر گردید که مأموریت "حمایت قاطع" ایالات متحده و ناتو در کشور ما در واقعیت امر، از ماه جدی سال ۱۳۹۴ آغاز گردید. در حدود ۱۶ هزار از نظامیان پیمان اتلانتیک شمالی و کشورهای شرکت کننده در امر آموزش و مشوره دهی قوت های امنیتی و دفاعی کشور ما و ارائه حمایه هوایی قوت ها و همچنان کمک در امر سازماندهی عملیات ضد تروریستی مؤظف گردیدند.

مأموریت فوق بریک زیرساخت نظامی نیرومند در کابل، بگرام، پایگاه نظامی مزار شریف (در شمال)، هرات (در غرب)، کندهار (در جنوب) و لغمان (در شرق) کشور متکی بود.

اساس و بنیاد قانونی و حقوقی اقدامات اینچنینی را دعوت رسمی جانب دولت افغانستان و توافقنامه در مورد چگونگی

وضعیت نیروها میان ریاست جمهوری افغانستان و ناتو تشکیل می دهد که به حضور نیروهای انتلاف در سرزمین و اراضی افغانستان، گویا رسمیت بخشیده است.

دراینباره سوالی بشرح زیر مطرح می گردد که چرا و بکدام هدفی کشورهای روسیه، چین و حتی پاکستان خواهان مشارکت و تداخل درمسائل مربوط به کشورما بوده وچه کارهایی را درمورد انجام خواهند داد؟

اما نباید فراموش خاطر ماگردد که اسناد و شواهد موجود، گواه این واقعیت می باشند که ایالات متحده، "دولت اسلامی" را در سوریه و عراق مورد حمایت و پشتیبانی قرار داده و در نقل مکان "داعش" به افغانستان سهم و نقش فعالی ایفا نمود. می توان چنین فرض نمود که هدف ایالات متحده در کوتاه مدت، تضعیف امنیت روسیه و متحدانش در آسیای مرکزی می باشد. همچنان در پس منظر فعالیت ها و عملکردهای "طالب" ها، گسترش حضور "دولت اسلامی" نیز متصور می باشد. جنگجویان "داعش" در مناطق شرقی ولایت ننگرهار دیده شده و بر بیشتر از سی منطقه ولایت یادشده نیز اثر گذار می باشند. مطابق آمار و ارقام موجود، همین اکنون بتعداد هزاران نفر از جنگجویان "دولت اسلامی" (داعش) در اراضی کشورما جابجا گردیده و با قوت های دولتی و "طالب" ها مصروف جنگ می باشند.

جهاددست های "داعشی" درصدد پخش و گسترش ایدیولوژی و طرز تفکر و وسعت بخشیدن ساحه عملکردهای شان به آسیای مرکزی و پایه گذاری "خلافت" جدید در افغانستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرغیزستان، پاکستان و بخش های شرقی ایران می باشند. اگر چنین بنظر می رسد که همه موارد و کلیه مسایل بروفق مراد و بگونه مشروعی انجام می پذیرد و ایالات متحده بمنظور حمایت از حاکمیت سیاسی کنونی کشور، ایجاد نیروهای مؤثر امنیتی و دفاعی و طرح چارچوبی برای نهادهای دموکراتیک سعی و تلاش می ورزد، پس مشکل کاردرکجا نهفته می باشد که باشندهای شریف کشورحتا از ابتدایی ترین حقوق زندگی انسانی عملن محروم بوده وندای دادرسی شان هیچ گوش شنوایی ندارد؟

بنابراین آنها دروضعیت و موقفی بدام افتیده اند که که از هرطرفی خود را در محاصره دیده و چنین وضعیتی درنوع خود، بهتر از دست دادن اعتبار همیشگی آنها محسوب می گردد. بلی وبگونه سهل و ساده، پایگاههای نظامی و میدان های هوایی در اراضی متعلق به کشورما بمنظور تامین و حفظ نفوذ و نظارت بر عمده ترین و مهمترین منطقه ستراتیژیک جهان باید حفظ گردد.

بسیاری ها چنین می پندارند که امریکایی ها، باید بسیارقبل براین از افغانستان می کوچیدند، چه بباور آنها خروج قوت های نظامی ایالات متحده، از ضرورت های جدی تامین صلح و ثبات در کشورما پنداشته می شود. اما باید متذکر گردید که این خروج و فراخواندن نظامیان خارجی (ایالات متحده و ناتو) از کشورما باید خروج مسؤلاته باشد.

درکنار آنکه زمان خروج و فراخواندن قوت های نظامی و جنگی فرا رسیده، اما این واقعیت را نیز باید درنظر داشت که چنین ترکی نباید پیدایش علف های هرزه را بدنبال داشته باشد. نه، مسؤلیت اینست که کسی و کسانی هم باید جوابگویی اینهمه شکست و ریخت در افغانستان را پذیرا شده و واقعن از ارانه کمک ها و معاونت های لازمی و ضروری به افغانستان پس از جنگ دریغ نورزند. همه طرف های درگیر در قضایای کشورما، بویژه قدرت های بزرگ جهانی باید باین واقعن گردن نهند که عدم اجرای نقش قاطع و مهم بازیگران خارجی قضایای کشورما، اصل نقش و اهمیت آنها را مورد پرسش قرار خواهد داد. بنابراین، همه آرزومندند تا در جریان سال روان، شاهد حل و فصل سیاسی قضایا و ایجاد صلح و ثبات در کشورباشند.

دراینمورد می توان از آمادگی ها بمنظور توافق ایالات متحده با روسیه در عرصه پشتیبانی از حل و فصل صلح آمیز و حصول توافق بمنظور ایجاد میکانیزم واحد و یگانه حل و فصل قضایای کشور نیز یادآور شد. همچنان ایالات متحده آمادگی اش را در امر همکاری با فدراتیف روسیه بمنظور حل و فصل معضله موجود در کشورما نیز اعلام نمود.

همه باین واقعیت معترفند که جنگ ایالات متحده در افغانستان، جز مرگ و ویرانی ببار نیآورده و همچنان اظهار نظرهایی نیز درمورد فراخواندن نظامیان خارجی از کشورما مبتنی براین امر موجود می باشد که گویا خروج سربازان و نظامیان یاد شده، چه عواقبی را بدنبال خواهد داشت.

مطابق طرح لایحه پیشنهادی درکنگرس ایالات متحده، سناتورهای امریکایی از اداره دونالد ترامپ دعوت بعمل آوردند تا عملیات نظامی و جنگی در افغانستان را خاتمه بخشیده و به اصطلاح خودشان، پیروزی درجنگ یادشده را برسمیت بشناسند. با تصویب قانون ختم طولانی ترین جنگ در تاریخ ایالات متحده، اداره دونالد ترامپ موظف می گردد تا از جنگ جهانی علیه تروریسم حمایت نموده و تلاش بیشتری در جهت تکمیل ساختارهای دولتی افغانستان انجام دهد.

مبصرین سیاسی چنین می پندارند که ایالات متحده با آغاز و تداوم جنگ در افغانستان، جایزه ای را نصیب نخواهد گردید. همچنان دراینمورد تذکر بعمل آمده و می افزایند که جنگ کنونی براه انداخته شده در افغانستان کاملن بی مفهوم بوده و هیچگو نه منفعتی از آن، عاید حال ایالات متحده نخواهد گردید جز مرگ نظامیان و هزینههای هنگفتی که باید از بودجه ایالات متحده

تأمین گردد. اما اکنون نه از نقطه نظر سیاسی و نه از رهگذر ژئوپولیتیکی، پیروزی و موفقیتی برای ایالات متحده اصلن به مشاهده نمی رسد.

در این مقطع، در داخل کشور یادشده، سوال هایی ذهن بسیاری ها را بخود مشغول می نماید، بگونه مثال اگر "طالب"ها مو فق به دستیابی قدرت در افغانستان گردیده و در رأس حاکمیت سیاسی کشور قرار گیرند، آیا با ایالات متحده در مورد کلی ترین مسایل و موضوعات مطرح، زبان مشترکی خواهند داشت؟

بسیاری از شاهدان ناظر بر امور کشورما چنین اقامه دعوا می نمایند که در پس منظر، ممکن جنگ کنونی ایالات متحده در افغانستان، به جنگ داخلی مبدل گردد. چنین اظهار نظرهایی را می توان در حدود شک و گمان تصور نمود.

با تحقق چنین سناریویی، جنگ ها و زد و خوردهای داخلی با نیروی جدیدی مواجه گردیده و در نتیجه میلیون ها تن از افغان ها به کشورهای همجوار مهاجر خواهند گردید، فعالیت های جنگی و محاربوی از محدوده افغانستان خارج گردیده و وضعیت در آسیای مرکزی را بیش از هر زمان دیگری ثابت خواهد نمود. اما لازم نیست فعالیت های ستیزه جویان و گروه های تروریستی در مناطق مرزی شمال کشور بزرگ نمایی گردد.

قابل یادآوری می باشد که واشنگتن، خود قادر به حل مشکل موجود در کشورما نبوده و چنین فرصت و امکانی را بدیگران نیز وادار نمی باشد.

آیا دست اندرکاران بین المللی در صدد تداوم هرج و مرج در کشورما بوده و یا واقعن بمنظور ایجاد استقرار سیاسی و تحکیم صلح در اراضی افغانستان تلاش می ورزند؟

پرسش های متعددی در مورد چگونگی اوضاع کشور مطرح می گردد، از جمله چرا قوت های دفاعی و رزمی دولتی در جنگ و رویارویی با مخالفان مسلح از موفقیت های آنچنانی برخوردار نمی گردند؟

امریکایی ها در کشورما مصروف انجام چه اموری می باشند و چرا پس از اینهمه سال ها، آتش جنگ در کشورما همچنان زبانه کشیده و چرا درخامه بخشیدن بآن اقدام فیصله کن و قاطعی بعمل نمی آید؟

نباید فراموش خاطر ما گردد که کشور عزیزما افغانستان بدلیل موقعیت جغرافیایی اش بمتابۀ نقطه تقاطع مسیرهای مهم تجا ری، طی سال های متمادی به میدان رقابت های پیدا و پنهان بسیاری از بازکنان منطقوی و فرامنطقوی مبدل گردید. عده بیشماری از هموطنان، بویژه جوانان کشور که در دوران جنگ و زد خوردهای خونین نظامی بدنیا آمده و به سنین جوانی رسیده اند، چنین می پندارند که در کشور، جنگ بگونه دوامدار و همیشگی وجود داشته است. مخالفت ها و تضادهایی بگونه طبیعی در محدوده کشورما قبل براین نیز وجود داشته اما با حضور و موجودیت خارجی ها در کشور، چه روس ها، چه امریکایی ها و چه نیروهای چند ملیتی، تضادها و ضد و نقض گویی های فی باین شان را به کناری گذاشته و با استفاده از تمامی امکانات و همچنان در اثر تحریک ها و مداخلات کشورهای همجوار منطقوی و فرامنطقوی، علیه موجودیت و حضور خارجی ها در کشور، مبارزات وسیع و همه جانبه ای را براه انداخته اند.

اما زد و خوردهای کنونی در اراضی کشورما، شاید طولانی ترین جنگ رقابتی در دوران معاصر باشد. در قابل توجه ترین دوره، باستثنای چند دوره کوتاه (۱۲۹۸-۱۳۵۲)، در اراضی متعلق به کشورما، بنحوی از انحاء جنگ و زد و خوردها تداوم بخشیده شد.

کشور عزیزما افغانستان در طول مدت زمان هزاران سال، بویژه در سده ۱۹، از جمله مورد توجه و دلچسپی امپراطوری های بریتانوی و روسیه تزاری و مورد توجه فاتحان و جهانگشایان قرا گرفت، دلیل آن نیز واضح و روشن بود، فاتحان نامبرده، از این واقعیت که مبادا طرف مقابل، سرزمین افغانستان را تحت استیلا قرار داده و یا شامل قلمروشان نمایند، هراس داشته و علیه یکدیگر در مورد یادشده به منازعه و رقابت مشغول شدند.

پترزبورگ و لندن باین دلیل نیز خواهان تسلط و تأثیرگذاری بر کشورما بودند تا امیر موجود در کشورما از اراضی مربوط به قلمرو حاکمیتش مانع انجام اعمال و فعالیت های نظامی و حربی ضد آنها گردد.

بدلیل موقعیت جغرافیایی کشورما، در مجموعه افغانستان، در واقعیت امر، بگونه دوامداری وضعیت ناگوار امنیتی حاکم گرد ید. اما نمی توان تنها و صرف عامل جغرافیایی را در مورد برجسته ساخت، بلکه روسیه از این امر هراس داشت که به معبری برای عبور و رسیدن انگلیس به آسیای میانه مبدل گردد که لندن قبلن نیز در صدد تأمین نظارت به مناطق نامبرده تلاش می ورزید. در مقابل، بریتانیای کبیر نیز از این مسأله هراس داشت تا مبادا افغانستان به محل استقرار نظامیان روسیه و بمتابۀ تهدیدی علیه هند مبدل گردد.

با تعقیب انکشاف رویدادهای کشور بویژه در زمینه جنگ و صلح، همچنان باید متذکر گردید که بتاريخ ۱۲ ماه مارچ سال روان، در آخرین روز پنجمین دور ملاقات و گفتگو میان نماینده های "طالب"ها و ایالات متحده، در مورد خروج نظامیان خارجی از

افغانستان تفاهم بعمل آمد، اما تاریخ و چگونگی این خروج هنوز مشخص نگردیده است. احتمالاً در مورد حفظ موجودیت دویپگاه نظامی ایالات متحده نیز به تفاهماتی نایل گردیده اند.

منابع اطلاع رسانی خبر دادند که رئیس هیأت نمایندگی ایالات متحده و نماینده‌های "طالب"ها طرح‌های موافقتنامه مبارزه علیه تروریسم و خروج نظامیان ایالات متحده از افغانستان را تهیه نمودند. همچنان اطلاع داده شد که مذاکرات یادشده در این دور به پایان رسید و دور بعدی در ختم ماه روان سال حاضر آغاز خواهد گردید.

طرح تفاهمنامه یادشده به زبان‌های پښتو و انگلیسی تهیه گردیده است. همچنان توسط "طالب"ها نیز در مورد عدم استفاده و یکبارگیری سرزمین افغانستان علیه کشور ویا کشورهای دیگر تفاهماتی بعمل آمده است.

در گفتگوهای دوحه درباره نحوه خروج نظامیان خارجی از افغانستان نیز صحبت بعمل آمده و به تفاهماتی نایل گردیدند، اما جزئیات درباره جدول زمانی خروج نیروهای امریکایی تاکنون به نشر نرسیده است.

همچنان در مورد گفتگوهای بین الافغانی و آتش بس نیز صحبت شده و موضوع متذکره در متن تفاهمنامه گنجانیده شده است. پنتاگون چنین می‌پندارد که امکانات و زمینه‌های دستیابی به صلح در افغانستان، پس از ۴۰ سال، اکنون و در شرایط و وضعیت کنونی، بیش از هر زمان دیگر مساعد و مهیا گردیده است.

بتاریخ ۱۴ ماه مارچ سالروان، وزیر امور خارجه اداره و اشنگتن در مورد مذاکرات ایالات متحده با "طالب"ها طی سخنانی در کمیته امور دفاعی مجلس سنای ایالات متحده یادآور شد که بلاخره، پس از مذاکرات طولانی صلح در مورد افغانستان، امکان دستیابی به صلح در کشور میسر گردید. چنین اظهار نظری، بنحوی از انحاء، انعکاس دهنده موقف پنتاگون محسوب می‌گردد.

در سند منتشر شده پنتاگون همچنان آمده است که با تداوم فشارهای جنگی بر "طالب"ها، ادامه مذاکرات صلح کنونی میان نماینده‌های آن کشور با "طالب"ها را مورد تائید و پشتیبانی قرار می‌دهد. در سند تذکر بعمل آمده که مذاکرات یادشده، نخستین امکان و فرصت تأمین صلح در افغانستان را پس از ۴۰ سال جنگ و خونریزی بوجود آورده است.

همچنان در این مورد نیز یادآوری بعمل آمده است که بیش از هر زمان دیگر به "هسته"های "خراسان"، "دولت اسلامی" و سایر گروه‌های تروریستی در افغانستان فشار آورده خواهد شد تا اصل تهدید علیه نظامیان امریکایی را بگونه مورد نظر تقلیل داده و از میان بردارند.

نماینده ایالات متحده در مذاکرات فوق اعلام نمود که در نتیجه مذاکرات یادشده در دوحه، طرفین در مورد طرح موافقتنامه در باره خروج نظامیان امریکایی از افغانستان و مبارزه علیه تروریسم به تفاهماتی نایل گردیدند. در اینجا دومورد از چهار مورد مسأله مورد بحث میان نماینده‌های ایالات متحده و "طالب"ها مورد بررسی قرار گرفت.

عملیات نظامی و جنگی در کشور ما بیش از ۱۷ سال بدرازا کشید (از ماه اکتبر سال ۲۰۰۱) که سال‌های ۲۰۱۰ - ۲۰۱۳ اوج درگیری‌ها و تحرکات وسیع نظامی در کشور محسوب می‌گردد. طی سال‌های یادشده، بتعداد ۱۵۰ هزار تن از نظامیان خارجی در کشور ما حضور فعال داشتند.

اما باید خاطر نشان گردد که بخش اساسی و عمده نظامیان ایالات متحده و ناتو طی سال ۲۰۱۴ سرزمین افغانستان را ترک نموده و در وضعیت کنونی، بتعداد ۱۴ هزار از نظامیان ناتو بمنظور تداوم امور آموزشی اردو و بمثابه مشاوران نظامی در قالب پیمان اتلانتیک شمالی در کشور ما موجود می‌باشند.